یادداشت

حمید مهدوی‌راد*

واگرایی سیاسی بین اسرائیل و امریکا

طی ماه‌های گذشته و با بالاگرفتن اختلاف سیاسی داخلی در درون رژیم‌صهیونیستی عوامل متعددی موجب شده است اختلافات درونی بر سیاست و روابط خارجی رژیم اشغالگر نیز تأثیرگذار باشد. نمونه بارز این موضوع را می‌توان از کلام جو بایدن نسبت به نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی و لحن نتانیاهو نسبت به رئیس‌جمهور ایالات‌متحده متوجه شد. امریکا که از بدو تأسیس رژیم‌صهیونیستی به عنوان حامی و متحد آن رژیم شناخته می‌شد، در برهه‌هایی از زمامداری دموکرات‌ها در کاخ سفید، (خواه کارتر باشد یا اوباما) بنا بر مقتضیات زمان و شرایط تاریخی روابط این دو به سمت واگرایی میل می‌کرد. گرچه عمده موارد اختلافی بر سر مسائلی چون شهرک‌سازی در اراضی اشغالی به ویژه قدس شرقی و مسائل حقوق بشری فلسطینی‌ها و عدم‌عقب‌نشینی از کرانه باختری بود اما دموکرات‌ها در مقابل جمهوری‌خواهان در مسئله فلسطین مبتنی بر سیاست چماق و هویج کنش و واکنش داشتند.

اکنون دموکرات‌ها در امریکا از وضع موجود و روی کار آمدن تندروها و اختلافات درون حزبی لیکود ابراز ناخشنودی و البته این موقعیت را فرصت مغتنمی برای به حاشیه راندن نتانیاهو نیز قلمداد می‌کنند.

به رغم نرمش نتانیاهو در برابر خواست معترضان صهیونیست و به تعویق انداختن اصلاحات قضایی در رژیم اسرائیل، اما لحن و کلام بایدن نسبت به نتانیاهو چندان نرم و منفعل نشده است. نتانیاهو نیز به سخنان بایدن پاسخ تندی داد و مدعی شد اسرائیل بر اساس فشار خارجی تصمیمات خود را پیش نمی‌برد، حتی اگر این فشارها از سوی دوستان نزدیک اسرائیل (امریکا) باشد!

اگرچه برخی تحلیلگران معتقد بودند پس از خروج اولیه نتانیاهو از اصلاحات جنجالی خود، دولت امریکا سیگنال مثبتی را به تل‌آویو خواهد فرستاد، اما چنین چیزی حادث نشد.

با اوج‌گیری بحران سیاسی و تظاهرات در فلسطین اشغالی، کاخ سفید ابتدا از نتانیاهو خواست به مخالفان امتیاز بدهد، اما اظهارات اخیر بایدن فراتر از موضع اولیه کاخ سفید بود. بایدن تلویحاً طوری بیان کرد که نخست‌وزیر رژیم اشغالگر اسرائیل را در کاخ سفید پذیرا نخواهد بود.

رئیس‌جمهور ایالات‌متحده مترصد این است که بتواند حیات سیاسی نتانیاهو را در سال ۲۰۲۳ چنان دچار خدشه کند که کابینه وی نیز درصدد فروپاشی قرار گیرد. این موضوع با توجه به لحن و کلام ناخشنودی که از جانب نتانیاهو به بایدن و بالعکس صادر شده است، در ذهن تحلیلگران جای گرفته است، زیرا نتانیاهو اکنون مانند یک بمب ساعتی مخرب برای دموکرات‌ها شده و با توجه به قدرت بالای اثرگذاری لابی صهیونیستی در امریکا بر افکار و آرای عمومی تأثیر مخرب سلبی داشته است و می‌تواند موجب به چالش کشیدن جو بایدن و حزب دموکرات‌ها شود. دموکرات‌ها معتقدند صرف‌نظر از اتفاقاتی که در فلسطین اشغالی رخ می‌دهد، بقای نتانیاهو در قدرت به دلیل روابط نزدیک او با حزب رقیب (جمهوری‌خواه)، قدرت مانور انتخاباتی جمهوری‌خواهان در سال ۲۰۲۴ را بیشتر خواهد کرد.

علاوه بر این، نتانیاهو قصد دارد در ماه‌های آینده مجدداً موضوع اصلاحات قضایی را مطرح کند و بر این موضوع تأکید دارد. مشاوران جو بایدن نیز به او توصیه کردند از تحمیل گزینه انصراف مطلق به جای انصراف موقت در اصلاحات قضایی بر نتانیاهو استفاده کند. افرادی چون یائیر لاپید و بنی گانتز، این درخواست را از دموکرات‌های امریکایی داشتند.

نظرسنجی‌ها در سرزمین‌های اشغالی نشان می‌دهد در صورت برگزاری انتخابات زودهنگام که خط قرمز نتانیاهو و اعضای کابینه‌اش است، ائتلاف رقیب می‌تواند اکثر کرسی‌های کنست اسرائیل را به دست آورد.

با توجه به اعتراضات داخلی در اراضی اشغالی و تضعیف موقعیت نتانیاهو، در حال حاضر وی توان چندانی برای اقدام علیه جو بایدن ندارد اما با وجود این در حالی که بر اجرای اصلاحات قضایی تأکید دارد، به طور ضمنی و تلویحی از جو بایدن برای حمایت از اسرائیل تقدیر و قدردانی کرد. رئیس‌جمهورهای امریکا خواه جمهوری‌خواه باشند، خواه دموکرات، مشی سیاسی خود را بر مبنای حمایت از کلیت ماهوی اسرائیل بنا می‌کنند.

پیش‌بینی می‌شود در هفته‌های آینده شاهد تشدید اختلافات پشت پرده کاخ سفید، نتانیاهو و اعضای دولت رژیم‌صهیونیستی باشیم و بعید نیست رهاورد این اختلافات، این باشد که هم حزب لیکود متضرر شود و کابینه ائتلافی در آستانه فروپاشی و گسست قرار گیرد و هم آنچنان که پیش‌بینی می‌شود گسل لابی صهیونیستی علیه دموکرات‌ها و در جهت منافع جمهوری‌خواهان فعال شود.

*کارشناس مسائل فلسطین

گزیده خبر

رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب:

روابط سیاسی ایران با دنیا هموارتر می‌شود

ایران روزبه روز روابط سیاسی‌اش با همسایگان و کشورهای بزرگ دنیا هموارتر می‌شود و همه اینها نشانه این است که ریشه انقلاب محکم است و راه را ادامه می‌دهیم.

غلامعلی حدادعادل، رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی پنج‌شنبه شب در مراسم افطاری شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی کردستان که به صورت تصویری صحبت کرد، اظهار داشت: هر چیزی بهایی دارد، هر امر ارزشمندی قیمت دارد و تا آن بها را نپردازیم، به دست ما نخواهد آمد، این سختی‌ها و اغتشاشاتی که سال گذشته همه شماها در کردستان به شکل ویژه‌ای با آن مواجه بودید و شهدایی که برای دفاع از امنیت دادید، اینها همه بهایی است که یک ملت بزرگ برای استقلال می‌پردازد.

وی ادامه داد: شما نگاهی به جهان بیندازید، من گاهی به کسانی که انتقاد دارند یا انقلاب را قبول ندارند عرض می‌کنم، فرض کنید انقلابی در ایران رخ نداده است، شماها به کدام مکتب یا به کدام اردوگاه سیاسی اعتماد می‌کنید که بخواهید اینها را الگو قرار دهید. حدادعادل اضافه کرد: آیا غرب، امریکا و اروپا در جایی از دنیا به درد مظلوم مردم دنیا خورده‌اند، با نگاهی به کشورهای اطراف خود درمی‌یابیم که اینها توقع نوکری و بردگی از مردم ندارند.

وی در ادامه گفت: این دنیای غرب به رغم همه سخن‌های جذابی که در دفاع از حقوق بشر، صلح و مردم‌سالاری بیان می‌کنند، آنچه ما می‌بینیم پایمال کردن حقوق انسان‌ها، مردم‌آزاری و نبود آزادی است.

حدادعادل اضافه کرد: این انقلاب ما را از سلطه غرب و استبداد نجات داده است و تحریم و تهدید هم می‌کنند ولی این تنها راهی است که ما در پیش داریم که این گوهری را که به برکت خون شهدا و امام و رهبری به ما رسیده است، حفظ کنیم.

رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی اذعان کرد: جمهوری اسلامی با سرافرازی از اغتشاشات سال گذشته عبور کرد، در آن زمان اینگونه وانمود می‌کردند که تمامی سازمان‌های بین‌المللی و همه کشورها مصمم هستند ایران را منزوی کنند و شما می‌بینید که ایران روزبه‌روز روابط سیاسی‌اش با همسایگان و کشورهای بزرگ دنیا هموارتر می‌شود و همه اینها نشانه این است که ریشه انقلاب محکم است و راه را ادامه می‌دهیم.

گزارش یک

رشد شبکه‌های تکفیری زیر بیرق بی‌حجابی در مسجد مکی!

عبدالحمید اسماعیل‌زهی، خطیب مسجد مکی که تا همین چند سال قبل عقاید برخی دانشمندان اهل سنت چون نصر حامد ابوزید را تکفیر می‌کرد و تعابیر اسلام سکولاریستی را مخالف با مذهب حنفی می‌دانست، حالا نه تنها این مسجد را به محل مانور عناصر بی‌حجاب تبدیل کرده است بلکه با حمایت علنی از جریان‌های الحادی چون فرقه ضاله بهائیت یک گفتمان جدید از اسلام را ترویج می‌کند.

به گزارش مشرق، سال ۱۳۸۳ در حالی که به تدریج شبکه تکفیری‌ها با رهبری تروریست مشهور عبدالمالک ریگی در برخی مناطق از استان سیستان و بلوچستان به ویژه شهر زاهدان در حال رشد و تکثیر بود، به ناگهان تأسیس یک انجمن با گرایشات سیاسی خاص در این شهر مورد توجه پژوهشگران در حوزه مبارزه با جریانات تکفیری قرار گرفت. در آن روزها یک ان‌جی‌او با نام انجمن جوانان صدای عدالت شروع به تبلیغ و جذب شهروندان بلوچ از سراسر استان کرده و خیلی زود میان مردم گُل کرد. این انجمن برخلاف فضای حاکم بر شهر زاهدان گرایشات شدید سکولاریستی داشته و با تبلیغ تفکرات ملی‌گرایانه رادیکال و بهره‌برداری از نمادهای پان ایرانیستی شروع به عضوگیری کرده بود. مبلغان انجمن صدای عدالت دائم در گوش اعضای خود می‌خواندند که قرائت اسلامی در استان باید تغییر کند و مواردی چون حجاب، تفسیر قرآن در مدارس و حتی حفظ حرمت شیوخ و علمای قبایل امری از مد افتاده و متحجرانه است! این تبلیغات شدید و مسموم در حالی در شهر اوج می‌گرفت که آن روزها مسئولان وقت استان سعی می‌کردند با استفاده از ظرفیت‌های موجود در میان ریش‌سفیدان و علمای مدارس مذهبی در مناطق مختلف استان، وحدت را به کثرت خود برساند تا در برابر اقدامات ناامن‌کننده گروهک‌های تروریستی از مؤلفه‌های اجتماعی استفاده و امنیت را مردمی کنند.

کادر رهبری انجمن صدای عدالت به جای تأکید روی مشترکات وحدت‌آفرین در استان روزبه‌روز سعی می‌کرد اختلافات را افزایش دهد، آن روزها این سؤال پدید آمده بود که این NGO پرحاشیه یک‌شبه از کجا چون قارچ سبز شده و هدف اصلی و پشت پرده تشکیل آن چیست؟ و مهم‌تر آنکه چرا با وجود تبلیغات شدیدش علیه افراط‌گرایی در استان، در عمل به سود تکفیری‌ها و سلفی‌هایی چون عبدالمالک ریگی و گروهک تروریستی جندالله یا همان جندالشیطان عمل می‌کند؟

پاسخ به این سؤال مدتی بعد و با انجام چندین تحقیقات اطلاعاتی توسط سربازان گمنام امام زمان(عج) در سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات به نتایج جالب توجهی رسید، این پژوهش‌ها نشان می‌داد سرکرده انجمن جوانان صدای عدالت فردی با نام یعقوب مهرنهاد است، این فرد در ظاهر یک روزنامه‌نگار جنجالی بود که با برخی اصلاح‌طلبان در تهران نیز در ارتباط بوده و دفتر استانی روزنامه‌های آنها (از جمله روزنامه مردم‌سالاری) را مدیریت کرده و حتی گاهی برای آنها یادداشت نیز می‌نوشت.

یعقوب مهرنهاد علاوه بر روزنامه‌نگاری هر چند مدت یک بار به شهرهای مختلف استان نیز سفر کرده و با انجام سخنرانی‌های داغ و تند برای انجمن خود عضوگیری نیز می‌کرد، محتوای بیشتر این سخنرانی‌های محلی ایجاد شبهات مذهبی در دل مردم به ویژه قشر جوان بود، اما رازهای زندگی یعقوب مهرنهاد به همین مسائل خاتمه پیدا نمی‌کرد. اگرچه او در ظاهر یک روزنامه‌نگار با مواضع تعدیل‌شده و به‌اصطلاح لیبرالیستی بود، اما در واقعیت او یکی از سرشبکه‌های گروهک‌های تروریستی در استان محسوب می‌شد که در پوشش NGO برای تکفیری‌ها یارگیری می‌کرد. بررسی ردپای معدوم مهرنهاد نشان می‌داد این فرد با سفرهای پی‌درپی به یکی از کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با رهبران گروهک‌های تروریستی چون حزب متحد بلوچ ارتباط گرفته و به واسطه آنها با عبدالمالک ریگی نیز در ارتباط است، سطح این ارتباطات به حدی بود که صفحه اینترنتی گروهک تروریستی ریگی توسط این فرد به‌روزرسانی شده و ویدئوهای سر بریدن مردم توسط ایادی آن توسط مهرنهاد آپلود می‌شد.

ردزنی اطلاعاتی معدوم مهرنهاد نشان می‌داد در پشت ادعاهایی چون تبلیغ اسلام سکولاریستی، ترویج بی‌عفتی و اختلاف‌افکنی‌های سیاسی در استان یک تروریست چیره‌دست قرار دارد که با یک پروژه خاص به صحنه آمده است. هدف انجمن صدای عدالت آن بود که با ترویج اسلام امریکایی زمینه اختلافات مذهبی و قومی در استان به شدت افزایش یابد و از دل آن گروهک تروریستی و خشنی چون جندالشیطان بتواند به عملیات خود دامن بزند. مدتی بعد، این شبکه پیچیده تروریستی با داشتن عوامل فنی و تکنیکی در داخل و خارج از کشور مورد شناسایی دقیق قرار گرفته و با دستگیری یعقوب مهرنهاد ابعاد آن شناسایی شد. معدوم مهرنهاد در اعترافات خود به صراحت اعلام می‌کند که انجمن صدای عدالت پوششی برای جذب نیرو برای عبدالمالک ریگی بوده و تمامی عملیات آنها تحت پوشش دو شعبه سازمان سیا در افغانستان و شهر دوبی بوده است. یعقوب مهرنهاد پس از محاکمه در دادگاه به جرم همکاری مستقیم با اشرار جندالشیطان (مسئول فرهنگی این گروهک تروریستی) و نیز دست داشتن در قتل‌عام مردم اعدام شد.

■ بازتولید شبکه پوشش تکفیری‌ها در جنگ سوریه!

مطالعات پژوهشی درباره شبکه‌های تکفیری نشان می‌دهد ترویج سلفی‌گری تحت پوشش اسلام امریکایی امری باسابقه جالب توجه است. نزدیک شش سال پس از اعدام مهرنهاد و بسته شدن انجمن صدای عدالت و نیز کشف شبکه ارتباطی و پوششی تروریست‌ها، در سال ۲۰۱۱ و با وقوع جنگ در سوریه بار دیگر سروکله این شبکه پیچیده پوششی و اطلاعاتی پیدا شد!

در آن روزها علاوه بر ظهور گروهک‌های تروریستی با گرایشات روشن تکفیری چون داعش، جبهه‌النصره، احرارالشام، هیئت تحریرالشام، حزب ترکستان، جماعت توحید و جهاد و صدها گروهک ریزودرشت دیگر که به صورت علنی به ترویج خشونت و ترور در عراق و سوریه دست می‌زند، حضور یک گروهک خاص با گرایشات ویژه مورد توجه قرار گرفت. گروهک حرکه نورالدین الزنکی(زنگی) دومین و بزرگ‌ترین گروه مسلح در اتحادیه تحریرالشام از جمله شبکه‌هایی است که از نظر رفتاری به طرز عجیبی شبیه انجمن صدای عدالت در زاهدان عمل می‌کرد. این گروه تروریستی برخلاف سایر تکفیری‌ها که به صورت علنی یک چهره انحرافی از اسلام را نمایش می‌دادند، در تبلیغات خود به طرز جالبی خود را یک گروه سکولار با مواضع اسلام امریکایی معرفی می‌کرد.

رهبر این گروهک فردی با نام توفیق شهاب‌الدین بود که در سخنرانی‌های خود به شدت به داعش حمله و ادعا می‌کرد مروج اسلامی است که در آن فمنیسم باید تبلیغ شود، ترویج اسلام اجتماعی و مواضع میانه باعث شده بود برخی از افراد در سوریه که اعتقادی به تکفیری‌ها نداشتند اما مدافع اقدامات مسلحانه بودند، به تدریج جذب گروهک حرکه نورالدین الزنکی شوند. این جذب حداکثری به حدی بود که رهبر گروهک به واسطه آن توانست با دو سرویس اطلاعاتی منطقه‌ای ارتباط بگیرد و منابع مالی زیادی جذب کند. اما تکفیری‌ها به دلیل ماهیت خاص خود تا ابد نمی‌توانند در قالب پوششی باقی بمانند، درباره گروهک حرکه‌نورالدین الزنکی نیز همین اتفاق روی‌داده و آفتاب مدت زیادی پشت ابرها باقی نماند. توفیق شهاب‌الدین پس از جذب برخی جوانان فریب‌خورده و ایجاد انحراف عقیدتی در آنها و آموزش عملیات مسلحانه و تروریستی به این افراد اعلام کرد که حرکه‌نورالدین الزنکی یکی از قمرهای (شعبه‌های) جبهه النصره بوده و خود را در بیعت تروریست‌ها درآورده است!

اعلام این بیعت باعث شگفتی بسیاری از تحلیلگران در منطقه شد، زیرا جریان تروریستی نورالدین زنکی در ظاهر با تکفیری‌ها فاصله عقیدتی فراوانی داشت، اما افرادی که خط سیر تکفیری‌ها را مطالعه و بررسی می‌کردند، به خوبی می‌دانستند که این بیعت امری غیرطبیعی نبوده و یکی از ترفندهای تکفیری‌ها برای جذب نیرو استفاده از همین روش است، در واقع افراد به واسطه این گروهک‌های تروریستی پوششی به یک عنصر تکفیری تبدیل می‌شدند، بدون آنکه خود اطلاع داشته باشند پا در چه باتلاقی گذاشته‌اند، جالب آنکه اعضای انجمن صدای عدالت در زاهدان نیز همین وضعیت را تجربه کرده بودند.

■ ماه عسل اغتشاشات با سلفی‌ها چه زمانی به پایان می‌رسد؟

بررسی حال و روز دو گروهک پوششی وابسته به دو جریان تکفیری و تروریستی؛ یکی در ایران و دیگری در میانه جنگ هزار ملت در سوریه اشارات و علائم جالب توجهی در خود دارد. با آغاز اغتشاشات محله‌محور در برخی شهرها و هدایت شبکه‌ای آن از سوی سازمان سیا وضعیت یکی از مساجد در شهر زاهدان قابل تأمل است.

این روزها مسجد مکی در عمل چیزی شبیه انجمن صدای عدالت و گروهک نورالدین زنکی عمل می‌کند، مدیر مسجد مکی پس از آشوب‌های پاییزی مواضع جالب توجهی پیدا کرده است. عبدالحمید اسماعیل زهی که تا همین چند سال قبل عقاید برخی دانشمندان اهل سنت چون نصر حامد ابوزید را تکفیر کرده و تعابیر اسلام سکولاریستی را مخالف با مذهب حنفی می‌دانست، حالا نه تنها مسجد را به محل مانور عناصر بی‌حجاب تبدیل کرده، بلکه خطیب آن با حمایت علنی از جریان‌های الحادی چون فرقه ضاله بهائیت یک گفتمان جدید از اسلام را ترویج می‌کند که بی‌شباهت به نظرات توفیق شهاب‌الدین در جنگ سوریه نیست. آگاهان سیاسی به خوبی می‌دانند که پروموشن تبلیغاتی و مصنوعی که با سرعت توسط متولیان این مسجد ساخته و پرداخته شده و به سود شبکه فحشا کانالیزه می‌شود، چیزی جز تبلیغات پنهان برای جذب نیرو نیست، اما آنچه اهمیت دارد آن است که سرریز این اقدامات به سود کدام جریان سیاسی یا حتی تروریستی ریخته خواهد شد؟

بررسی عملکرد عبدالحمید نشان می‌دهد اگرچه او در ظاهر تغییر ۱۸۰ درجه‌ای کرده و مبلغ اسلام امریکایی شده اما ریشه باورهای او همچنان ثابت مانده است. گرایش شدید، عجیب و جدید عبدالحمید نسبت به پروژه ترویج اسلام امریکایی حکایت از آن دارد که همه چیز به اغتشاشات اخیر گره نخورده است و دیر یا زود ماه‌عسل متولی مسجد مکی با اسلام صهیونیستی به پایان می‌رسد و نیمه پنهان این ماجرا آشکار خواهد شد. عبدالحمید در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن بازتولیدکننده رفتارهای سرکرده گروهک نهضت آزادی در جنگ مسلحانه منافقین در سال ۶۰ است. آن روزها مهدی بازرگان که مروج اسلام امریکایی بود، منافقین را فرزندان معنوی خودخوانده و در مجلس در حمایت از آنها نطق سیاسی آتشین می‌کرد، مدتی بعد با افتادن پرده‌ها مشخص شد منافقین بازوی جنایتکار رژیم بعثی و استکبار جهانی در داخل کشور هستند، این غائله بزرگ در مرصاد به نقطه پایانی خود رسید. شیوه واکنشی و روان‌شناسی عبدالحمید حاکی از آن است که این فرد در ظاهر سعی دارد خود را فردی خیرخواه و میانه‌رو نشان دهد اما در باطن مروج یک تفکر رادیکالیستی است که منتظر یک جرقه خواهد ماند، البته بازیگردانان اصلی این ماجرا در بیرون زمین مشغول تماشای صحنه هستند!

دفاعی

رئیس ستاد انتفاضه و روز جهانی قدس:

انتقام دو شهید عزیزمان را از صهیونیست‌ها گرفتیم

ما انتقام دو شهید عزیزمان را از صهیونیست‌ها گرفتیم و در مرحله بعد هم که آنها تهاجمی به سرزمین سوریه و لبنان داشتند، عملیات مقابله‌به‌مثل جبهه مقاومت علیه آنها انجام شد.

سردار رمضان شریف، سخنگوی سپاه پاسداران و رئیس ستاد انتفاضه و روز جهانی قدس در گفت‌وگو با شبکه خبری العالم با اشاره به اینکه یکی از راهبردهای رژیم‌صهیونیستی از ابتدای اشغال سرزمین فلسطین تلاش برای به فراموشی سپردن این اشغالگری بوده است، گفت: اشغالگران به دنبال این بودند نسل‌های بعدی فلسطین و سرزمین‌های اسلامی اشغالگری را فراموش کنند، راهبرد دیگر آنها توسعه سرزمینی از نیل تا فرات بوده است، امام خمینی(ره) با درایتی که داشتند، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که برای مسلمین از اعتبار دینی بالایی برخوردار است و همچنین به پشتوانه وحدتی که مسلمین در ماه مبارک دارند، این روز را به نام «روز جهانی قدس» نامگذاری کردند و در ۴۴سال گذشته به همین بهانه صدها نشست، گفت‌وگو و گزارش از مبارزات مردم فلسطین منتشر شده است و یک روحیه تازه به مسلمین می‌دهد و به آنها یادآوری می‌کند که قبله نخست شما توسط صهیونیست‌ها به اشغال درآمده است.

سردار شریف عادی‌سازی روابط با اشغالگران صهیونیست را پروژه‌ای شکست‌خورده دانست و تصریح کرد: همه نظرسنجی‌ها حاکی از این است که مردم کشورهای سازشکار از هرگونه رابطه با رژیم‌صهیونیستی اعلام بیزاری می‌کنند، نمونه‌اش را شما در بازی‌های قطر واضح و شفاف دیدید، اینها متن مردم کشورهای عربی ما هستند، امیدوارم مسئولان کشورهای سازشکار به این مسئله پی ببرند که صهیونیست‌ها خودشان در آستانه فروپاشی هستند و هر

کجا و هر سرزمینی که صهیونیست‌ها پای‌شان را بگذارند، غیر از مشقت برای مردم آن سرزمین و ملت آنها چیزی به دنبال ندارد.

■ هر حمله صهیونیست‌ها پاسخ چندوجهی را به همراه خواهد داشت

سخنگوی سپاه پاسداران در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به حملات صهیونیست‌ها به سوریه و شهادت دو مستشار ایرانی گفت: حمله صهیونیست‌ها در این مقطع به سوریه و شهادت مستشاران ما به دلیل درگیری‌های داخلی و تقابل بین جناح‌های حاکم در رژیم‌صهیونیستی بوده است، آنها به دنبال فرافکنی بودند تا افکار عمومی را از این اختلافات و شکاف رهایی ببخشند و وحدتی در بین خودشان ایجاد کنند، حمله آنها تأثیری راهبردی در مسئله حمایت ما از محور مقاومت نخواهد گذاشت، صهیونیست‌ها بهتر از هر کسی می‌دانند در کوتاه‌ترین فاصله زمانی پاسخ ما را دریافت کردند اما به دلیل مسائل خاص نمی‌خواهم اشاره کنم که چگونه عمل کردیم، صهیونیست‌ها این پیام را دریافت کرده‌اند، ما انتقام دو شهید عزیزمان را از صهیونیست‌ها گرفتیم و در مرحله بعد هم که آنها تهاجمی به سرزمین سوریه و لبنان داشتند، عملیات مقابله‌به‌مثل جبهه مقاومت علیه آنها انجام شد، می‌خواهم اشاره کنم که رفتار مشترکی در خصوص پاسخگویی به رژیم‌صهیونیستی در منطقه شکل گرفته است، از این به بعد هر حمله‌ای که صهیونیست‌ها به نقطه‌ای انجام دهند، یک پاسخ چندوجهی دریافت می‌کنند.

سردار شریف اظهار داشت: در یک صحنه جدی مبارزه تعیین‌کننده همواره گروه‌هایی به وجود می‌آیند که دشمن صهیونیستی از آنها اطلاعاتی ندارد و یک غافلگیری برای آن صورت می‌گیرد، مثل گروه‌هایی که جدیداً در جنین، کرانه باختری و سرزمین‌های ۱۹۴۸ به وجود آمده‌اند این گروه‌های جدید با انگیزه صددرصد ایمانی و مذهبی و با انگیزه صددرصد پایبندی به آزادی فلسطین و رهایی مردم فلسطین وارد عرصه شدند، اینها حتماً مورد حمایت ما هستند.

وی افزود: ما از هر کسی که علیه صهیونیست‌ها در سرزمین فلسطین برای نجات فلسطینیان تلاش کند، حمایت می‌کنیم و این چیزی است که رهبر معظم انقلاب درباره آن بارها تأکید کرده‌اند.

سنگته

حجاب و عفاف در حیطه وظایف کیست؟

پس از فوت مهسا امینی در شهریور ماه ۱۴۰۱، نظرات مختلفی در جامعه پیرامون قانون عفاف و حجاب، میزان اهمیت و اولویت آن و نحوه اجرای آن در جامعه شکل گرفت. در ماه‌های اخیر نیز با توجه به نزدیک شدن به فصل گرما و مطرح شدن طرح برخورد با هنجارشکنان حجاب و عفاف این موضوع به یکی از موضوعات داغ جامعه تبدیل شده است.

در یک تقسیم‌بندی ابتدایی نگاه به این مسئله را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

دسته اول معتقدند حجاب و عفاف در حیطه وظایف دولت نیست و جمهوری اسلامی هزینه بیهوده سر این مسئله برای خود ایجاد می‌کند.

دسته دوم معتقدند حجاب در وضعیت کنونی که وضعیت معیشت مردم در سطح خوبی نیست نباید در اولویت حکومت قرار بگیرد.

دسته سوم معتقدند درست است که اولویت اول کشور اقتصاد است اما از بحث حجاب و تأثیرات اجتماعی آن نباید غافل شد.

در ادامه به بررسی ابعاد مختلف نظرات می‌پردازیم:

فارغ از بعد دینی حجاب و عفاف، فلسفه تشکیل دولت‌ها آن است که آزادی افراد را در راستای خیر جمعی و منفعت اکثریت محدود کند. برای مثال یکی از موضوعات مطرح امروز جهان قانون بازنشستگی در فرانسه است. به علت کاهش نیروی کار در این کشور دولت در پی آن است سن بازنشستگی را دو سال افزایش دهد. در واقع دو سال آزادی عده‌ای را در راستای تأمین منفعت اکثریت محدود می‌کند.

عفاف و حجاب نیز از جمله اموری است که امر اجتماعی به حساب می‌آید، زیرا دارای پیامدها و تأثیرات اجتماعی است. برای مثال یکی از عوامل کاهش جمعیت و به تبع کاهش نیروی کار در فرانسه، رواج پوشش نامناسب زنان و بی‌بندباری در آن کشور است. نه تنها فرانسه، بلکه کشورهایی که در مقطعی در زمینه پوشش در جامعه سهل‌گیری یا در خصوص روابط دختر و پسر عفت‌زدایی کردند، اکنون با این موضوع به جد درگیر و از راه‌های مختلف در پی جبران این مسئله هستند. سیاست‌های مهاجرپذیری یا بالا بردن سن بازنشستگی ناشی از کاهش جمعیت کشورها و نیروی کار است. مستند ایکسانومی ابعادی از این مسئله را به خوبی تشریح می‌کند، لذا اکثر کشورهای جهان قانون‌هایی در خصوص پوشش در محیط‌های مختلف دارند و پوشش را یک امر اجتماعی می‌دانند نه امر شخصی. ایران نیز مانند سایر کشورها در حوزه پوشش آقایان و بانوان قانون وضع کرده است و برای جلوگیری از اثرات سوء این مسئله، آن قوانین را با توجه به عرف جامعه اجرا می‌کند.

اما از طرف دیگر از نظر دینی یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت امر به معروف و نهی از منکر است. عفاف و حجاب نیز یکی از معروف‌های مهم جامعه است که دارای تأثیر اجتماعی است و رعایت نکردن آن تبعات بسیاری در جامعه دارد. در مجموع می‌توان گفت هم از نظر عقلی کشورهای جهان امر پوشش امر اجتماعی است و هم از نظر دینی حجاب یک معروف است که باید دولت به آن بپردازد.

■ پرداختن به حجاب در زمان کنونی اولویت دارد؟

در سال‌های اخیر وضعیت معیشت بسیاری از مردم نامناسب است. این شرایط باعث شده است این تفکر به وجود بیاید که تبلیغ و فشار آوردن به مردمی که از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفته‌اند، نتیجه عکس دهد و اگر اقتصاد درست شود، حجاب در جامعه خود به خود درست می‌شود.

در این خصوص دو نکته وجود دارد؛ اول اینکه ممکن است ترویج بی‌حجابی در مقاطعی اولویت اول دشمنان بوده باشد اما هیچ زمان حجاب اولویت اول حکومت نبوده است، به خصوص در تمام سال‌های اخیر که وضعیت اقتصادی مردم با مشکل مواجه بوده، تأکید رهبری بر موضوع اقتصاد بوده است.

اما نکته دومی که وجود دارد این است که بین حجاب و وضعیت پایین اقتصادی نمی‌توان لزوماً رابطه مستقیم برقرار کرد، زیرا سردمداران ترویج بی‌حجابی از طبقه مرفه جامعه هستند و افرادی که از نظر اقتصادی مشکلی ندارند و حتی در تنش‌های اقتصادی کشور ممکن است وضعیت اقتصادی آنها بهتر نیز شده باشد، در زمینه ترویج بی‌حجابی و بی‌عفتی فعال‌تر هستند.

اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که در صورتی که بی‌توجهی به این قانون فراگیر شود، کشور در آینده‌ای نزدیک از نظر نیروی کار با مشکل جدی مواجه و در پی آن معضل اقتصادی شدیدتر خواهد شد.

اما از نگاه دینی، قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره حج در خصوص اولویت‌های پس از تشکیل حکومت می‌فرماید: «الَّذينَ إِن مَكَّنّاهُم فِي الأَرضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَآتَوُا الزَّكاةَ وَأَمَروا بِالمَعروفِ وَنَهَوا عَنِ المُنكَرِ وَلِلَّهِ عاقِبَةُ الأُمورِ»، در ذیل این آیه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «قرآن در ستایش مجاهدان راه حق، کارکرد آنان را پس از پیروزی، اقامه صلاه و ایتای زکات و امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و در حقیقت، نخستین و مهم‌ترین وظایف آنان را هنگام تشکیل حکومت معین می‌کند.» پس امر به معروف و نهی از منکر را از مهم‌ترین و نخستین وظایف و اولویت‌های حکومت اسلامی می‌دانند. به بیان دیگر درست است که اولویت اول کشور در حال حاضر وضعیت اقتصادی است اما امر به معروف به خصوص در زمینه حجاب که اثرات اجتماعی فراوانی دارد نیز در اولویت‌های بالای حکومت قرار دارد.

■ بایسته‌های اجرای قانون حجاب و عفاف چیست؟

برخی افرادی که منتقد قانون عفاف و حجاب هستند، به خاطر تبعات آن در جامعه و دوقطبی‌سازی‌ای که ایجاد می‌کند است، نه اصل این قانون. در شرایطی که دشمن به دنبال این است که از هر مسئله کوچکی در جامعه ما ایجاد دوقطبی کند، ما نیز در اجرای قوانین باید توجه داشته باشیم که به این مسئله دامن نزنیم.

نکته دیگر در خصوص اجرای قانون حجاب و عفاف این است که این مسئله دو بعد دارد؛ یک بعد کار فرهنگی است که لزوم این مسئله و برنامه‌ریزی‌های دشمن برای آن روشن و تبیین شود. بُعد دیگر برخورد قضایی با هنجارشکنان است که باید با ظرافت انجام شود و هر دو بعد مکمل یکدیگر هستند.

■ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در نهایت باید گفت اصل وجود قانون حجاب و عفاف در جامعه با توجه به تبعات اجتماعی‌ای که این بحث در جامعه دارد و پشتوانه دینی آن، لازم است. اما نکته‌ای که وجود دارد اینکه این قوانین باید به صورت هوشمندانه وضع شود و با رعایت ظرافت‌ها و دقت اجرا شود.

به تعبیر مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام: «همه توجه داشته باشند دشمن با نقشه و برنامه وارد این کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم، کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه نباید انجام بگیرد. مسئولان برنامه داشته باشند و دارند، ان‌شاءالله این کار با برنامه دنبال شود.»

البته طرح جدید نیروی انتظامی که توسط سردار رادان مطرح شد، نشان‌دهنده این است که فراجا به این مهم توجه دارد و در پی کاهش تنش‌ها در برخوردها و رفتار برنامه‌ریزی شده است.

منبع: جهان‌نیوز